

# اندیشه‌های مراغه‌ای در سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ

سهیلا ناظمی

کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی و دبیر دبیرستان‌های فسا

## چکیده

کتاب سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ از جهت پرداختن به مسائل سیاسی روزگار خود بسیار حائز اهمیت است. در این مقاله دیدگاه‌های سیاسی زین‌العابدین مراغه‌ای نویسنده این کتاب، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نیز نظرگاه او درباره زنان و چگونگی آداب معاشرت با آنان و نیز ویژگی‌های عصر مشروطه بیان شده است. همچنین تفاوت طنز عصر مشروطه با طنز قبل از آن مورد بحث قرار گرفته و نمونه‌هایی از آثار مراغه‌ای به‌عنوان نویسنده‌ای طنزپرداز که از طنز در بیان مسائل سیاسی، اجتماعی روز بهره برده، ذکر شده است.

**کلیدواژه‌ها:** زین‌العابدین مراغه‌ای، دیدگاه سیاسی، طنز، زن، سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ

## مقدمه

سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ اثر زین‌العابدین مراغه‌ای (۱۲۳۸-۱۲۵۵) آیینۀ تمام‌نمای اوضاع ایران در اواخر قرن سیزدهم هجری است که با قلمی تند و بی‌پروا تحریر شده است. نویسنده، که تاجرزاده‌ای میهن‌دوست و اصلاح‌طلب است، کتاب خود را در قالب یک رمان اجتماعی نوشته است. سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ صرفاً به‌منظور مخالفت و انتقاد با حکومت استبدادی قاجار و بی‌نظمی‌هایی که در آن دوران حکمفرما بود نوشته شد. (کشاورز، ۱۳۷۱: ۱۲۷) این کتاب در سه جلد کاملاً جدا و مستقل به چاپ رسیده است. جلد اول، که «بلای تعصب او» نام دارد، داستان ابراهیم‌بیگ، فرزند یکی از تجار آذربایجان است که در مصر زندگی می‌کند و به عزم زیارت مشهد مقدس راهی ایران می‌شود. مؤلف، مشاهدات این قهرمان از پریشانی و دربه‌داری مردم، سرگرم شدن آنان به کارهای بیهوده، رشوه‌خواری حکمرانان، غفلت دولت، بی‌قانونی و بی‌عدالتی و نفوذ سیاست‌های استعماری، در ایران آن روزگار

را به زبانی ساده و مؤثر به رشته تحریر درآورده است. از این رو این اثر در روزگار خود سهم بزرگی در بیداری مردم داشته است. مراغه‌ای در جلد دوم این کتاب از طریق تمثیل عشق ابراهیم و محبوبه، عشق به وطن را به خواننده القا می‌کند. او با عنوان کردن عشق میان دو انسان، به عشقی والاتر و مقدس‌تر می‌پردازد و اظهار می‌دارد که «سواى بر عشق مجنون و لیلی و فرهاد و شیرین و محمود و ایاز، عشق دیگری نیز هست و آن عشق به وطن است. عشقی که چه بسیار کسان در راه آن جان‌فشانی کرده‌اند و هستی خود را طفیل هستی آن دانسته‌اند.» (سیاحت‌نامه: ۵۵۳) در جلد سوم او به داستان خواب **عمر یوسف** و تعبیر آن، به شرح حال اهل جهنم می‌پردازد. «که در واقع یک نوع رسالۀ الغفران یا کمدی است، اما هم بهشت و هم دوزخ سیاحت‌نامه ایرانی است و ساکنان هر دو ایرانیانند و از خلال آن آهنگ پرشکوه شادی و عزای آنان، دم‌به‌دم فریاد دلخراش زهرخند سیاسی، به گوش می‌رسد.» (آرین‌پور، ۱۳۷۲: ۳۱۰) سپس بخشی را به نام منتخبات شعرا آورده است. او پس از ذکر نام هر شاعر به ترتیب الفبا چند بیتتی از او را نقل می‌کند و در بعضی موارد پس از ذکر شعر شاعر، مختصری از زندگی‌نامه او را نیز می‌آورد. این امر بیانگر آشنایی و علاقه‌مندی مراغه‌ای با شعر و شاعری است.

## بحث و بررسی

**اندیشه سیاسی مراغه‌ای در سیاحت‌نامه**  
عصر مراغه‌ای مقارن با پادشاهی مظفرالدین‌شاه، مرگ او و روی کار آمدن ناصرالدین‌شاه است. در زمان او درخت مشروطه به ثمر می‌نشیند و دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی بسیاری رخ می‌دهد. در این زمان، آزادی‌خواهان با مبارزات سیاسی، اجتماعی خود درصدد برقراری عدالت و قانون‌مند شدن کشورند و مراغه‌ای با نوشتن

مراغه‌ای در بیان اوضاع سیاسی توصیفات بسیار زیبایی دارد که گاه با چاشنی طنز همراه‌اند

سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ نقش مؤثری در بیداری مردم ایفا می‌کند. (کسروی، ۱۳۸۸: ۵۳)

او بادل‌سوزی تمام در آستانه مشروطیت برای نجات ایرانیان از چنگال جهل و استبداد چاره‌اندیشی می‌کند و با بیان پریشانی و دربه‌دری مردم، سرگرم شدن آن‌ها به کارهای بیهوده، رشوه‌خواری حکمرانان، غفلت دولت و بی‌قانونی و نفوذ سیاست‌های استعماری سهم‌بزرگی در بیداری مردم دارد. مراغه‌ای اندیشه‌های سیاسی خود را در سه محور وطن‌پرستی، آزادی‌خواهی و قانون‌گرایی بیان می‌کند.

### ● وطن‌پرستی

«تاریخ و فرهنگ ایران زمینه‌نشو و نمو فلسفه ملی را فراهم می‌سازد و عواملی چون محیط طبیعی و جغرافیایی، وراثت، خانواده، حکومت و دین در خلق و خوی ملی مؤثر است.» (ر. ک، آدمیت، ۱۳۵۷: ۱۲۲-۱۲۱)

وطن‌پرستی، که در غرب از آن به «ناسیونالیسم» تعبیر می‌شود، یکی از عمده‌ترین اندیشه‌های مراغه‌ای است. او می‌گوید: «مراتب تعصب خانواده ما در در باب وطن‌پرستی در خطه مصر ضرب‌المثل است. آری ما خاک ایران را از جان گرمی‌تر می‌دانیم؛ زیرا که وطن مقدس ما، محل نشو و نمای گذشتگان ما و مدفن نیاکان ماست.» (سیاحت‌نامه: ۱۰۱)

مراغه‌ای آرزوها و اندیشه‌های ملی-میهنی خود را از زبان شخصیت داستانش ابراهیم‌بیگ بیان می‌کند. درجه تعصب ملی ابراهیم تا حدی است که به خاطر لشکرکشی اسکندر به ایران و خراب کردن آبادهای کشور و آتش زدن شهر استخر هیچ‌گاه نام اسکندریه را به زبان نمی‌آورد و اگر مجبور شود آن را بندر بر مصر می‌گوید. (ر. ک، همان: ۳۶) ابراهیم عاشق وطن است او از عشق ایران، که تا این حد مورد بی‌حرمتی و ظلم و تعدی واقع شده، در بستر بیماری افتاده است و با مرگ دست و پنجه نرم می‌کند.

مراغه‌ای از اینکه کشور بی‌صاحب مانده و برای آبادی آن هیچ اقدامی نمی‌کنند

افسوس می‌خورد و می‌گوید: «در ممالک ایران هر جامی نگرگی مردم تنبل و بی‌کارند که در هر گوشه‌ای جوق جوق نشسته‌اند. شهرها همه خراب چون گورستان است.» (همان: ۱۴۱) او همه این‌ها را می‌بیند و درمی‌یابد که ایرانش چگونه در حال نابودی است. مراغه‌ای در کتاب خود بارها از لفظ غصه مرگ استفاده می‌کند. به‌طور مثال: «گفتم دیگر طاقت ندارم؛ غصه مرگ شدم.» (همان: ۳۴۸) یا «هر آینه غصه مرگ می‌شدم.» (همان: ۱۰۷)

در واقع، این واژه‌ها نشان‌دهنده احساس درونی او هستند که از دیدن نابودی معشوق خود، در حال غصه مرگ شدن است و بالاخره، ابراهیم هم غصه مرگ می‌شود.

مراغه‌ای در بیان اوضاع سیاسی توصیفات بسیار زیبایی دارد که گاه با چاشنی طنز همراه‌اند. او اخلاق و عادت‌های ناپسند ایرانیان را در قالب تابلوهای زنده و جاندار به تصویر می‌کشد و مورد ایراد و انتقاد قرار می‌دهد.

او در بیان اندیشه‌هایش بسیار متعصب است. تفکر ملی‌گرایانه افراطی او نشان از تعصب بیش از حدش در خصوص مسائل مربوط به وطن دارد. عشق مالخولیایی او به وطن باعث سردرگمی و درهم‌ریختگی فکرش شده است. این تعصب بی‌جا چشم ابراهیم را بر حقایق بسته است و نمی‌گذارد مسائل و مشکلات را آن‌گونه که هست ببیند. او هر کسی را که از ایران بدگویی کند، چه به حق و چه به ناحق، به بی‌غیرتی متهم می‌نماید.

توصیفات مراغه‌ای نیز گاهی بسیار اغراق‌آمیز است؛ گرچه خود اذعان دارد که حقایق را آن‌چنان که هست نوشته است. او می‌گوید: «گرچه غرض از نشر و طبع سیاحت‌نامه در اول این بود که شاید قلم راست نگارم، بدون مبالغه و اغراق، از معایب وطن مقدس، از هزاران یکی را نوشته و می‌کنم منظور ارباب حل و عقد گشته...» (همان: ۳۰۶) اما با نگاهی به سیاحت‌نامه می‌توان دریافت که مراغه‌ای در توصیفات خود از اغراق بسیار بهره جسته و اغراق و بزرگ‌نمایی در هنگام

توصیف ممکن است نویسنده را از واقعیت دور سازد. از طرفی، چون این کتاب یک سیاحت‌نامه خیالی است، در خیال از اغراق بسیار استفاده می‌شود. مراغه‌ای نیز از این قاعده مستثنی نبوده و وقایع را بزرگ‌تر از حقیقت واقع نشان داده است. پس «این کتاب از جهت تاریخی ارزش چندانی ندارد.» (آرین‌پور، ۱۳۷۲: ۳۱۰)

«ارزش سیاحت‌نامه بیشتر از جهت انتقادی است که از اوضاع زمان خود دارد.» برای مثال، او از تشریفات بی‌حساب و کتابی که حاکمان و صاحب‌منصفان به راه انداخته‌اند، انتقاد می‌کند. نام بردن از شغل‌هایی چون پیشخدمت میرآخور، تفنگدارباشی، قهوه‌چی، قراش‌باشی و... نمایانگر تشریفات بی‌حد و حصری است که مردم ستم‌زده ایران می‌بایست پاسخ‌گوی آن باشند. مراغه‌ای طرفدار سلطنت است و همیشه از شاه به نیکی یاد می‌کند. اعتقاد او بر این است که افتخار ایرانیان به تاج و تخت است و ایرانیان تا جان در بدن دارند نباید پادشاهی را به جمهوری تبدیل کنند. مردم ایران خیاط‌زاده و کفاززاده را به‌عنوان رئیس انتخاب نخواهند کرد. پادشاه‌زاده باید پادشاه شود. (ر. ک، سیاحت‌نامه: ۷۲۰)

از فحوی کلام مراغه‌ای می‌توان دریافت که او به موروثی بودن سلطنت و باورهای کهن گذشته معتقد است. او نژاد و خون را از مؤلفه‌های سلطنت می‌داند و تنها، به توانایی‌های شخص به‌عنوان عاملی برای اخذ سلطنت اعتقاد ندارد. در صورتی که یکی از دلایل ظلم و ستم شاهان همین موروثی بودن سلطنت در خاندان شاهی است. اگر نظام کشور براساس دموکراسی و جمهوری باشد، مردم خود شخصی را انتخاب می‌کنند که صلاحیت اداره امور را داشته باشد و چنان‌چه از او ظلم و ستم و یا کم‌کاری سر بزنند، او را کنار می‌گذارند شخص دیگری را با رأی اکثریت مردم برمی‌گزینند. پس با توجه به اینکه مراغه‌ای از استبداد و خودکامگی بیزار است و استبداد و خودکامگی در حکومت‌های پادشاهی بیشتر است، قبول این مسئله با اندیشه او منافات دارد.



به همین دلیل، مراغه‌ای پس از نوشتن سیاحت‌نامه، کتاب خود را بدون ذکر نام مؤلف منتشر کرد.

**ناظم‌الاسلام کرمانی** در «تاریخ بیداری» می‌گوید: «زمانی که انجمن مخفی تشکیل شده بود؛ اعضای انجمن سیاحت‌نامه را، که بیانگر حالات ایران و ایرانی بود، در مجلس قرائت می‌کردند». او یکی از دلایل خوانده شدن این کتاب را در این مجلس چنین بیان می‌کند: «اعضای انجمن جرئت شنیدن این‌گونه مذاکرات را نداشتند و از اینکه خبر به عین‌الدوله برسد، واهمه داشتند ولی خواندن سیاحت‌نامه مشکلی نداشت و اگر کسی بر آن‌ها ایراد می‌گرفت که چرا مطالب چنین کتابی را که خواندن آن ممنوع شده، می‌خوانند می‌گفتند: ما برای اینکه ردی بر سخنان مراغه‌ای بنویسیم و بعضی از مطالب آن را نقض کنیم آن را می‌خوانیم.» (کرمانی، ۱۳۸۸: ۱۶۵)

این مطالب نشان می‌دهد که در دوران مراغه‌ای و پس از آن، چیزی به نام آزادی بیان وجود نداشته و جامعه سراسر خفقان و ظلمت بوده است. علت اصلی ویرانی مملکت و انحطاط اخلاق ملی نیز فقدان آزادی است.

دوران مراغه‌ای، دوران گسترش سواد و طرح بنیان‌های آموزش و پرورش نوین است. با گسترش سواد، روزنامه و روزنامه‌نگاری رونق می‌یابد. مراغه‌ای که به دنبال نوگرایی است، یکی از اهداف خود از نوشتن سیاحت‌نامه را با تحول حیات اجتماعی عنوان می‌کند. او سواد و روزنامه را با حیات فکری و اجتماعی مردم پیوند می‌دهد و از روزنامه به عنوان ابزاری برای رسیدن به آزادی کمک می‌گیرد.

چنانچه پیداست، در آن روزگار یکی از راه‌های بیان اندیشه و عقاید و آگاهی بخشیدن به مردم، روزنامه بوده است. روزنامه‌ها در بیداری مردم نقش بسیار مهمی داشتند. اشعار ملی و وطنی که با طرفداری از آزادی و به مخالفت با استبداد به میدان آمدند و به انعکاس آرمان‌های ملی و میهنی می‌پرداختند،

## آزادی خواهی

رهایی خواستن و بنده نبودن یکی از ویژگی‌های مراغه‌ای است. او با آنکه به نظام پادشاهی احترام می‌گذارد، به سمت دموکراسی و آزادی خواهی گرایش دارد. «دموکراسی یعنی حاکمیت مردم بر مردم، یعنی اقتدار توده مردم بر کلیه زمین‌های اجتماعی از قبیل اقتصاد، هنر، علم و...» (مبیدی، ۱۳۵۱: ۷)

آزادی خواهی از مضامینی است که از زمان مشروطه وارد ادبیات ما شد. در روزگاری که ظلم و ستم وزرا و حکام از حد گذشته بود، مراغه‌ای با نوشتن سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ ندای آزادی خواهی خود را به گوش همگان رساند و در این راه تلاش بسیار نمود. او با افشا کردن ظلم و ستم کارگزاران دولت پرده از کارهای آنان برداشت. این کتاب در بیداری مردم نقش مهمی ایفا کرد. (ر. ک، کسروی، ۱۳۸۸: ۵۳) و مردم را به تأمل واداشت تا برای رهایی از ظلم حکام چاره‌ای بیندیشند. مراغه‌ای به طور کلی آزادی را به دو بخش عمده تقسیم می‌کند:

### ● آزادی از ستم بیگانگان و حکام داخلی

#### ● آزادی بیان

درخصوص آزادی از ظلم و ستم بیگانگان و حکام داخلی می‌گوید: با وضع و اجرای قانون مشروطیت می‌توان به آزادی رسید و از ستم بیگانگان و حکام ظالم داخلی نجات یافت. او عده‌ای از وزرای بی‌انصاف و خائن را که کاری جز چاپیدن مردم ندارند و مانع رسیدن به آزادی هستند مورد نکوهش قرار می‌دهد و بیان می‌دارد که به جز آن‌ها هیچ‌کس منکر قانون مشروطیت نیست.

آزادی بیان و قلم آزادی دیگری است که مراغه‌ای به آن اعتقاد دارد. در ایران آن روز، بزرگان مملکت این حق مسلم را از مردم دریغ می‌کردند و کسی جرئت بیان نظر و اندیشه خود را نداشت و چنانچه کسی به انتقاد از دولت و هیئت حاکمه می‌پرداخت، مورد مؤاخذه قرار می‌گرفت.

از طریق همین روزنامه‌ها در اختیار مردم قرار می‌گرفتند.

در این دوره اگر روزنامه‌ای از سوء رفتار امیری سخن می‌گفت و یا به افشای اعمال خائنان به ملت و مملکت می‌پرداخت، فوراً تعطیل می‌شد. زیرا غرض ورزان قصد داشتند برای پوشاندن زشتی اعمال خود مردم را از خواندن روزنامه محروم کنند.

**دنباله مطلب در وبگاه نشر به**